

مفهوم عزت

از

دیدگاه اسلام

يك ساعت تن به ذلت دادن باعزت تمام روزگار برابری نخواهد کرد (علی علیه السلام)

خود را از تنگنای تمایلات پست حیوانی ؛ بیرون آورده، و بافق وسیع تر و افکاری عالینتر آشنا گردد؛ پس او هم می تواند در موقع لغزش حیوانی پست شود؛ و هم توانائی دارد که انگیزه های مخرب، پیش از آنکه قدم بمرحله ظهور و فعالیت نهند؛ از نهاد خویش بیرون برانند، و همچون فرشتگان در فرصت های صعود و پرواز بجهان بالا، پر بکشاید .

هماهنگی که اسلام میان عوامل خارجی و داخلی ایجاد کرد، در زمینه تکامل روان منشأ پیدایش

اوج گرفتن از سطح حیوانی و نزدیک شدن بسطح عالی؛ برای همه امکان پذیر است، چه آرمان رسیدن بکمال مطلوب، در ضمیر آدمی انباشته شده، و این اندیشه در روانش ریشه عمیق دارد ولی نیاز به پرورش و تربیت حتمی است اما برای رفتن براه سقوط دیگر لازم نیست ریشه ای بگردنش افکنند و با فشار پیرنگاه انحطاطش کشانند ، بلکه تمایلات پست ، خود بخود شخص را بسرازمی می کشد .
تکامل واقعی انسان ، هنگامی محقق می شود که

کوچکی فقط در پیشگاه خداوندی شایسته است که تمام موجودات و جهان هستی باراده حضرتش پدید آمده، و انسانها بنده حقیقی او هستند، اصولاً خضوع در برابر خالق بی‌همنای جهان، خود بزرگترین مایه سربلندی است.

این برتری و استیلا که پرهیزکار از راه ارتباط با مبدأ اصلی جهان بدست آورده، در تمام مراحل حیات و موقعیت‌ها با او همراه است، در فکر و ادراک و رفتارش تعادل خاصی وجود دارد و این خصائص انعکاسی از پاکبها و نیکی‌هایی است که در ضمیرش مسکن گزیده است، فروغ تقوی و پاکیزگی روان، چنان گیرآورده و روشن‌اندازنده‌های بارز در درخشان‌متنی است، که دیگران نیز احساس میکنند که در روان چنین فردی حقیقت محکم و استواری استقرار دارد، تو خالی نیست که با تصادم کوچکی از جا دربرود.

آن نیروی حیاتی که در ضمیر مرد با تقوی نهفته است، او را نسبت بواقعیات حیات، هوشیار ساخته و برای بهره‌گیری از زندگی هرگز در اقیانوس ژرف و بی‌کران مادیات غرق نمی‌شود، زیرا عقل و جانش از مبادی اسلام سیراب شده و نسبت بهمه چیز؛ طرز جهان بینی اسلامی دارد، احیاناً اگر از جنبه‌های مادی زیر فشار قرار گیرد و دچار محرومیت‌هایی شود؛ بهیچوجه ارزشهای کاذب در سنجش واقع بینانه‌اش، با ارزشهای حقیقی برابری نخواهد کرد، و ممکن نیست خواهشهای پست بر جان و

موقعیت‌های بارزی گردید، و عملاً در جریان تاریخ، افراد زیادی پابرمه ظهور گذارده، و بسا تلاشی پی‌گیر بسطح عالی و بلند که شایسته مقام‌الای انسانی بود رسیدند.

در نظر اسلام مقام و موقعیت هر کس وابسته به بهره‌ای است که از ارزشهای بزرگتر دارد و معنی حقیقی انسان در غیر این صورت بر او اطلاق نمی‌شود و بجز تقوی و پرهیزکاری دیگر امتیازات ظاهری را مملک شرافت و عزت افراد نشناخته است.

علی‌علیه السلام فرمود: **لا عزز اعز من التقوی** - هیچ عزت و شرافتی بالاتر از تقوی و پارسائی نیست.

پیامبر گرامی اسلام (س) فرمود: **من اراد ان یکون اعز الناس فلیتق الله عزوجل** - کسیکه میخواهد عزیزترین افراد باشد باید تقوی و پرهیزکاری را شعار خود قرار دهد (۱)

انسان با ایمان، از نخستین لحظه ای که نور تقوی در کانون جاننش بر توافکند با همیت و گرانقدری آن آگاه می‌شود، و بمقتضای این آگاهی و دید بلند و وسیع است که کمال و عزت را در قدرت و داری و نسب و نژاد جستجو نمی‌کند؛ بلکه شرافت فردی خویش را بمیزان ایمان و عقیده به نیروئی که حقیقتاً در این جهان بطور قاطع مؤثر است، و فضائلی که در نهاد خود برپا داشته، می‌سنجد، نسبت با افراد فاقد تقوی احساس برتری نموده، و از هر خضوع ذلت‌آوری اجتناب خواهد ورزید، چه خضوع و

آن روایات بسیاری از اولیاء گرامی/معلم رسیده ،
و عملاً خود نیز این درس بزرگ اخلاقی را بمرم
آموخته اند ، از سرور آزادگان حسین بن علی (ع)
پرسیدند : عزت مرد در چیست ؟ فرمودند : عزت
مرد در این است که نسبت به مردم احساس احتیاج
نکند . **قال فما عز المرء قال (ع) استغناؤه
عن الناس .**

رسول اکرم (ص) طی جمله ای این حقیقت را
چنین گوشزد میکنند : **ليس الغنى عن كثرة
العرض ولكن الغنى غنى النفس** - بی نیازی
بفراوانی مال نیست بی نیازی حقیقی بی نیازی ضمیر
و باطن است . (۳)

ضمناً از مهمترین وظائف هر مسلمانیکه
علاقمند بحفظ شئون خویش بوده ، و بخواهد خود را
از محدودیت های روحی برهاند ، اجتناب از ذلت و
خواری است ، رهبران اسلام همواره مردم را به
اجتناب از هدف های پست که باشند واقعاً مسلمان ،
منطبق نیست ، ترغیب کرده اند . امام یازدهم فرمود :
«ما اقبح بالمؤمن ان يكون له رغبة تذله»
چقدر ناپسند و قبیح است که مسلمان علاقه و میل
شدید بجیزی داشته باشد که موجب ذلت و پستی او
گردد . (۴)

در زندگی نباید نسبت به خواسته های بی ارزش

ادراکات و روحیه شکست ناپذیر او چیره شوند ، و
برخلاف کسانی که ارضاء تمایلات حیوانی و تحصیل
مادیات را هدف اصلی زندگی می شناسند و قادر
نیستند لحظه ای از قیود پست قدمی فراتر بگذارند ،
روبروی اشیاء فریبا و خواهش های فریبنده ؛ شجاعانه
می ایستند زیرا دریافته است که هر چیز بهر درجه از
اهمیت و ارزش برسد ، در برابر عظمت کبریائی
خداوند و احساسات گرانبها ، پست و ناچیز است ،
و با همه فراوانی ناپودشده است .

**ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجاً
منهم زهرة الحياة الدنيا لفتنهم فيه و
رزق ربك خیر و ابقى** - هرگز به تمنای ناچیزیکه
بقوم و گروهی در جلو حیات و زندگی دنیای فنا -
پذیر برای آزمایش اعطا کردیم چشم آرزو مگشا
زیرا رزق و نعمتی که نزد خدای تو است بمراتب
بهنر و پاینده تر است . (۱)

اسلام برای شئون مسلمانان بقدری ارزش قائل
است که شرف آنها را بعد از بیان عزت خدا و رسول
خاطر نشان ساخته است :

والله العزة و لرسوله و للمؤمنين - عزت مخصوص
خدا و پیامبر و همه اهل ایمان است . (۲)

عزت نفس

در باره عزت نفس و ارزش اخلاقی و اجتماعی

۱ - سورة طه آیه ۱۳۰

۲ - سورة منافقین آیه ۷

۳ - نهج الفصاحه ص ۵۰۴

۴ - تحف العقول ص ۴۸۹

علی علیه السلام فرمود . ساعة ذل لاتقی
بعزالدهر - یکساعت تن بذلت و خواری
دادن با عزت تمام روزگار برابری نخواهد
کرد . (۲)

«امرسون» میگوید : «مردان مجرب نیک می-
دانند که بهتر است هم «ارز» هر پیشرفت و موفقیتی
«هزینه» ای پرداخته شود که صرفه جویی در این راه
غالباً کفاره سنگین دارد و این همواره خود نیز دینی
بمهده دارد ، آیا کسیکه صدها مرحمت از همگنان
خود دیده و یکی از آنها را پس نداده است نفی برده؟
آیا کسیکه با بی غیرتی و نیرنگ اموال همسایه را
بماریت ستانده است سرودی دیده است ؟ هر امری
باید از یک سوی با شکر نعمت و از سوی دیگر با اعتراف
بدین همراه باشد ؛ بعبارت دیگر از یک طرف حدش
به بلندی می رسد ، و از طرف دیگر به پستی ؛ بساد
معامله هر کس با همسایه خودش باید در ذهن هر دو
طرف چندان پایدار ماند تا معامله دیگر جای آنرا
بگیرد و مناسباتشان را بر حسب کیفیت تغییر دهد ،
آنکس که با کالسکه همسایه بسفر می رود چنانچه
خرد را داور قرار دهد ، خواهد دید که اگر
استخوانهایش می شکست از تنگ عاریت خواستن
بتر بود که ذلت سؤال گرانترین بهائی است
که انسان ممکن است برای کسب موفقیتی
بپردازد .» (۳)

بیش از حد توجه کرد و عشق ورزید ، و تلاش خود را
تنها به استفاده از بهره های مادی اختصاص داد ،
بطوریکه گوئی ماورای آن هیچ چیز قابل خواستن
نیست زیرا این امر به جمود و انحطاط فکر می انجامد ؛
و احساسات ، تحت نفوذ امور مادی که لحظه ای از
حوزه محدود زمین به بالائی رود در خواهد آمد ،
و بعلاوه از اهمیت و بزرگی انسان نیز خواهد
کاست .

علی علیه السلام فرمود : « عظموا اقدارکم
بالتغافل عن الدنی من الامور - از چیزهای
پست و هدفهای منحط چشم پیوشید و قدر و منزلت
خویش را بدین وسیله آشکار سازید .» (۱)

بعضی افراد چنان حس سودپرستی بر وجودشان
استیلا می یابد که برای بدست آوردن منافع مادی
بشدت شرافت خویش را لکه دار ساخته و بهر ذلت
و پستی تن در می دهند ، و چون بجنب منفعت از هر کس
که با او تماس پیدا کنند یکنوع احتیاج و نیاز روحی
دارند ، لذا تا کنیک خاصی در صحنه زندگی و طسی
معاشرت هادر پیش می گیرند ، و بطرز افراط آمیزی
بان برنامه عملی کنند ؛ به احترام و تعظیم بیجا و
سخنانی که جز اظهار ذلت و کوچکی در حقیقت
معنایی ندارد ، متناد می شوند ، این روش اتخاذی
در زندگی ؛ خود انمکاسی از آلودگی و پستی
آرمیده در ضمیر و نهاد آنهاست که ریشه عمیق دارد .

۱ - تحف العقول ص ۲۲۴

۲ - غرر الحکم ص ۴۳۴

۳ - فلسفه اجتماعی ص ۳۸۷

یحقر که هر النسیم - انسان شرافتمند بهر پایه و مرتبه‌ای از ترقی و تعالی برسد حالت کفران و ناسپاسی با دوست نخواهد داد او مانند کوه استوار و پابرجایی است که از هیچ طوفانی متزلزل نمیشود، ولی فرومایه با رسیدن بکوچکترین و نازلترین مقامی بکفران و ناسپاسی برمی‌خیزد او بگیاهی شبیه است که نسیم ملایمی او را بلرزش و حرکت در می‌آورد. (۱)

شخصیت‌های شریف‌النفس بهر پایه‌ای از موقعیت و شهرت برسند خود را گم نمیکنند، در حالیکه افرادی که از شرافت نفس بهره‌ای ندارند با کسب کوچکترین مقام و منزلتی از جادرمی‌روند، علی‌السلام این نکته را طی عبارتی بصورت جالب بیان فرموده است :

«ذوالشرف لا تبطره منزلة نالها؛ وان عظمت كالجبيل الذي لا تزعه الرياح و الدني تبطره ادنى منزلة كالكلأ الذي

در این موقع بترس!

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید :

اذا ريت الله يتابع عليك نعمة فاحذره و حصن النعمة شكرها
: و هنگامی که می‌بینی خداوند نعمتهای خود را بر تو می‌فرستد (و تو گناه می‌کنی) بترس (که مجازات سختی در انتظار تو است) و سعی کن که نعمتها و مواهب را بامصرف کردن در جای خود برای همیشه نگاهداری،